



Studying the Implementation of CAS Court of Arbitration for Sport Decisions in Iranian Law with Emphasis on Human Rights Considerations and Fair Trial of Athletes

Mojtaba Nematollahi¹, Mostafa Mandegar^{2*}, Masoud Reza Ranjbar Sahraei³

1. Department of Private Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

2. Department of Private Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

3. Department of Private Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 16-29

Article history:

Received: 8 Jan 2026

Edition: 25 Jan 2026

Accepted: 8 Mar 2026

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Court of Arbitration for Sport, human rights, fair trial, judicial independence.

Corresponding Author:

Mostafa Mandegar

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shi.C., Department of Private Law

Orchid Code:

0009-0002-3813-4330

Email:

mostafamandegar@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The Court of Arbitration for Sport (CAS), as the most important legal and sports institution, plays an important role in handling claims and issuing rulings regarding the status of athletes. The aim of this study is to examine the implementation of the Court of Arbitration for Sport rulings and compare them with human rights principles in Iran. The central question is: What challenges does the implementation of the Court of Arbitration for Sport rulings face in the Iranian legal system in terms of human rights considerations and fair trial?

Materials and Methods: In this study, the analytical-descriptive method and library tools were used.

Ethical Considerations: The process of writing this article was carried out with consideration of ethical principles in referencing.

Findings: Despite its effective role in issuing rulings regarding sports claims, the Court of Arbitration for Sport faces difficulties in achieving fair trial due to its inconsistency with the domestic regulations and laws of different countries, the principle of autonomy and independence of national judicial institutions, the lack of legal participation of national institutions, and the weakness of investigations for issuing rulings.

Conclusion: The realization of the principle of justice and other human rights considerations for athletes by CAS requires the establishment of a national sports arbitration institution that resolves disputes between domestic regulations and CAS and addresses the shortcomings resulting from the judicial review of the Court of Arbitration for Sport.

Cite this article as:

Nematollahi M, Mandegar M, Ranjbar Sahraei M.R. Studying the Implementation of CAS Court of Arbitration for Sport Decisions in Iranian Law with Emphasis on Human Rights Considerations and Fair Trial of Athletes. 2026.



دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

بررسی اجرای آراء دیوان داوری ورزش CAS در حقوق ایران با تأکید بر ملاحظات حقوق بشری و دادرسی عادلانه ورزشکاران

مجتبی نعمت‌اللهی^۱، مصطفی ماندگار^{۲*}، مسعودرضا رنجبر صحرائی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دیوان داوری ورزش CAS، به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حقوقی- ورزشی نقش مهمی در رسیدگی به دعاوی و صدور احکام در خصوص وضعیت ورزشکاران دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی اجرای احکام دیوان داوری ورزش و سنجش آنان با اصول حقوق بشری در ایران است. پرسش محوری این است که از حیث ملاحظات حقوق بشری و دادرسی عادلانه، اجرای احکام دیوان داوری ورزش در نظام حقوقی ایران با کدام چالش‌ها روبرو است؟

مواد و روش‌ها: در این تحقیق، از روش تحلیلی-توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: فرایند نگارش مقاله حاضر با ملاحظه اصول اخلاقی در ارجاع‌دهی انجام گرفت.

یافته‌ها: دیوان داوری ورزش علیرغم نقش مؤثری که در صدور آراء در خصوص دعاوی ورزشی دارد، اما از جهت عدم تطابق با مقررات و قوانین داخلی کشورهای مختلف، اصل خودمختاری و استقلال نهادهای قضایی ملی، عدم مشارکت حقوقی نهادهای ملی و ضعف در تحقیقات برای صدور احکام، مشکلاتی برای تحقق دادرسی عادلانه در پیش‌روی خود دارد.

نتیجه: محقق شدن اصل عدالت و سایر ملاحظات حقوق بشری برای ورزشکاران از سوی CAS، نیازمند تأسیس نوعی نهاد داوری ورزشی ملی است که اختلافات مقررات داخلی و CAS را حل نموده و کاستی‌های ناشی از رسیدگی قضایی دیوان داوری ورزش را برطرف سازد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶-۲۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

دیوان داوری ورزش، حقوق بشر، دادرسی عادلانه، استقلال قضایی.

نویسنده مسئول:

مصطفی ماندگار

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

۰۰۰۹-۰۰۰۲-۳۸۱۳-۴۳۳۰

پست الکترونیک:

mostafamandegar@iau.ac.ir

۱. مقدمه

را در بر می‌گیرد. دیوان داوری ورزش برای رسیدگی به دعاوی ورزشی و برقراری عدالت، از سازوکارهای مختلفی بهره می‌برد که از جمله حق انحصاری خود را برای رسیدگی به دعاوی محفوظ نگه داشته و مداخله نهادهای قضایی کشورها را در روند رسیدگی متوقف می‌نماید. همچنین دیوان تلاش دارد تا با شواهد و دلایل کافی، رضایت کشورها را از جهت دادرسی عادلانه تضمین نماید. اما این رویکردها همواره کافی نبوده و پیچیدگی‌های حقوقی و عدم دسترسی سریع و کافی از سوی دیوان داوری ورزش، نارضایتی‌های را نیز در بر داشته است.

مهم‌تر از همه، ضعفی است که از جهت تحقق عدالت و دادرسی عادلانه یا رعایت اصول حقوق بشری در نزد دیوان داوری ورزش قابل طرح است. مسائل و مشکلات یاد شده و ضرورت ایجاد یک رویه حقوقی همسو با رویه دیوان باعث شده تا برخی از کشورها از جمله ایران برای محقق نمودن اصل عدالت در رسیدگی به دعاوی مطروحه علیه ورزشکاران یا دادخواست‌های آنان، مقرراتی داخلی را نیز پیشنهاد نمایند. این رویه داخلی ضمن پذیرش اصول حاکم بر دعاوی حقوقی در نزد CAS درصدد است تا سازوکاری داخلی فراهم آورد تا دادرسی عادلانه را با ملاحظه اصول حقوق بشری فراهم سازد. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد است تا اجرای آراء دیوان داوری ورزش را با ملاحظه اصول حقوق بشری و دادرسی عادلانه در میان کشورها از جمله در ایران بررسی نماید. پرسش محوری پژوهش حاضر این است که موانع و چالش‌

رسیدگی به دعاوی مطروحه میان ورزشکاران با باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی، تعاملات حقوقی-ورزشی ورزشکاران و نهادهای مرتبط با آنان در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ضرورت رسیدگی قضایی برای برقراری عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق طرفین دعاوی ورزشی را به یک امر ضروری تبدیل کرده است. در این میان نقش نهادهای مختلف قضایی و حقوقی در سطح جهان قابل توجه است که در میان آنان، دیوان داوری ورزش CAS، نقش پررنگی دارد. با توجه به اینکه صدور آراء از سوی دیوان داوری ورزش، برای کشورهایی که دعاوی خود را در نزد آن مطرح می‌کنند، دارای نوعی الزام حقوقی است، برخی از کشورها با نادیده گرفتن آراء صادره تلاش دارند تا اجرای آنان را به نحوی نادیده بگیرند یا با شیوه دلخواه خود اجرایی نمایند. حتی در مواردی، برخی از کشورها ضمن پذیرش ضمنی آراء صادره از سوی CAS، اجرای آنان را نادیده گرفته یا ناسازگار با قوانین و مقررات داخلی در نظر می‌گیرند که در مسائل مختلفی از جمله دوپینگ ورزشکاران، موضوعات مربوط به نقل و انتقالات ورزشکاران، مسائل حقوقی میان باشگاه‌های ورزشی و فدراسیون‌های ورزشی و ... نمود پیدا کرده است.

اما در این میان، اجرای احکام دیوان داوری ورزش در کشورهای مختلف با چالش‌های متعددی روبرو است که طیفی از ناهمخوانی و یا ناسازگاری آراء با قوانین داخلی کشورها، عدم تحقیقات کافی و مؤثر و یا تخصصی از وضعیت دعاوی در کشورها و یا مشارکت ندادن تحقیقات قضایی در روند رسیدگی

مشارکت نهادهای قضایی ملی و داخلی در رسیدگی به دعاوی علیه ورزشکاران است. ضمن اینکه برای اجرایی کردن آراء صادره از سوی دیوان داوری ورزش در نظام حقوقی ایران باید گفت که ایجاد یک نهاد ملی داوری ورزشی برای سازگاری و تطابق بیشتر با نحوه رسیدگی به دعاوی ورزشکاران و همچنین انطباق با معیارهای دادرسی عادلانه ضرورت دارد. در این صورت کاستن از فاصله حقوقی میان دیوان داوری ورزش و نهادهای حقوقی داخلی کشور ایران از جمله ملاحظه تحقیقات در زمینه رسیدگی به دعاوی و مشارکت نهاد حقوقی ملی در تصمیمات و آراء صادره از سوی دیوان نقش مؤثرتری در عملیاتی شدن و اجرایی کردن آراء یاد شده دارد.

۵. بحث

۵-۱. آراء دیوان داوری ورزش

دیوان داوری ورزش یک نهاد داوری مستقل و فعال در زمینه حل اختلافات ورزشی است که جلوه پیوند حقوق و ورزش در دنیای معاصر به شمار می‌رود. دیوان داوری ورزش که در سال ۱۹۸۴م تأسیس شد و به عنوان نماد حقوق بین‌الملل ورزشی شناخته می‌شود. (مافی و شهلائی، ۱۳۹۶، ۳۶) نقش دیوان داوری ورزش به نحوی است که موارد اختلافی ناشی از رفتارهای ورزشکاران، باشگاه‌های ورزشی و مسائل حقوقی در عرصه‌های مختلف را به رأی گذاشته و درباره آنان تصمیمات حقوقی اتخاذ می‌کند. مکان داوری تمامی پرونده‌های CAS در لوزان، سوئیس است، بدون توجه به اینکه هیئت داوری در کجا جلسات یا ملاقات‌های خود را برگزار

های اجرای آراء صادره از سوی دیوان داوری ورزش در زمینه رسیدگی به دعاوی حقوقی ورزشکاران در کشورهای مختلف از جمله ایران شامل چه مواردی است؟ بر مبنای سؤال مطرح شده فرضیه مطرح شده این است: ناسازگاری حقوقی میان دادرسی از سوی دیوان و نظام‌های حقوقی ملی، چالش استقلال و خودمختاری حقوقی و ضعف در تحقیقات حقوقی و چالش مشارکت نهادهای حقوقی داخلی و CAS از جمله این موارد است.

۲. مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و از جمله منابع و قوانین حقوقی انجام شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله حاضر، اصول اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

بر مبنای نتایج تحقیق حاضر، اصول و معیارهای حقوق بشر از جمله اصل عدالت و دادرسی عادلانه از سوی دیوان داوری ورزش با موانع مهمی روبرو است. از جمله اینکه رویکرد قضایی دیوان داوری ورزش، کلی و عام است و ملاحظات قوانین داخلی کشورهای عضو را در نظر نمی‌گیرد. همچنین رویکرد همسان‌نگر دیوان داوری ورزش باعث نادیده گرفتن اصل استقلال نهادهای قضایی داخلی در کشورها از جمله در ایران می‌شود. مشکل دیگر در زمینه نقض اصل عدالت و دادرسی عادلانه، عدم

داوران تخصصی تلاش دارد تا نسبت به شکایات مطرح شده در دیوان، نظرات نهایی را صادر و اعلام نماید. برای تحقق این هدف، داشتن استقلال از سوی دیوان نقش مهمی دارد، زیرا استقلال و بی طرفی نه تنها باعث اعتبار رأی و جلوگیری از طرح دعوای ابطال مرتبط می‌گردد، بلکه باعث اعتبار داور و اقناع طرفین اختلاف می‌شود. (مافی و شهلائی، ۱۳۹۶، ۵۰) امروزه، تمامی فدراسیون‌های بین‌المللی المپیک و چندین فدراسیون غیرالمپیک، دادگاه داوری ورزش (CAS) را به عنوان آخرین مرجع تجدیدنظر در اختلافات بین‌المللی می‌شناسند و به طور کامل دادگاه‌های ملی را از رسیدگی به این اختلافات مستثنی کرده‌اند. یک استثنای قابل توجه که در آن CAS صلاحیت ندارد، مربوط به لیگ‌های ورزشی حرفه‌ای آمریکای شمالی است که سیستم داوری خاص خود را دارند. (واسنر، ۲۰۰۳، ۳۴) این رویکرد به دلیل رویکرد عرفی کشورهای آمریکای شمالی در عرصه قوانین داخلی است که در حال تغییر هستند. به همین دلیل، دادگاه‌ها ممکن است آراء دیوان داوری ورزش را به دلیل ناهمخوانی یا مغایرت با قوانین فدرال، اجرا نکنند. پرونده هاردی در برابر یوسک نمونه بارز این تضاد و مغایرت است که در اجرای رای دیوان داوری ورزش به تعویق افتاد. (مارتینز، ۲۰۲۴، ۱۵۵) بر این اساس بخش مهمی از مشکلات ناشی از عدم اجرای احکام CAS به تضاد و ناهمخوانی آراء دیوان داوری ورزش و دادگاه‌های داخلی کشورها مربوط است که حتی در مواردی ممکن است باعث تضعیف عدالت در قبال ورزشکاران شود.

کند. همین قاعده برای پرونده‌های CAS که توسط یک بخش موقت در طول بازی‌های المپیک یا هر رویداد ورزشی دیگری که برای آن بخش موقت تشکیل شده باشد، رسیدگی می‌شود. داوری‌های CAS تحت حاکمیت فصل ۱۲ قانون سوئیس درباره حقوق بین‌الملل خصوصی (PILA) قرار دارند، به شرط آنکه در زمان انعقاد توافق داوری، حداقل یکی از طرفین نه اقامتگاه و نه محل سکونت دائمی خود را در سوئیس داشته باشد. دعوای ورزشکاران و یا فدراسیون‌های ورزشی به پرونده‌های CAS به تضمین سازگاری و پیش‌بینی‌پذیری رویه‌ای کمک می‌کند. (قانون حقوق بین‌الملل خصوصی، ۱۹۸۷، ماده ۱۷۶) از این حیث دیوان داوری ورزش برای رسیدگی عادلانه و مبتنی بر رعایت حقوق بنیادین طرفین، نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات ورزشکاران از کشورهای مختلف است. ضمن اینکه دیوان داوری ورزش از حیث حقوقی، نقش‌هایی مشابه یک نهاد دادگاه را نیز بر عهده دارد و از مجازات‌های نقدی، محرومیت و یا پرداخت خسارت از سوی محکوم استفاده می‌کند. (محسنی، ۱۳۹۳، ۷۶) بنابراین نقش دیوان داوری ورزش، حقوقی است و مسؤولیت نهادهای ورزشی را در ارتباط با مسائل و دعوای ورزشکاران روشن می‌سازد.

مهم‌ترین منبع حقوق ماهوی که برای رسیدگی به دعوی طرفین در پرونده‌های تجدیدنظر قابل اعمال است، قوانین و مقررات سازمان ورزشی مربوطه است که تصمیمات چالش‌برانگیز از آنان صادر می‌شود. (آیین‌نامه دیوان داوری ورزش، ۱۹۹۳، ماده R58) اما دیوان داوری ورزش با بهره‌گیری از

۵-۲. چالش تضاد آراء دیوان و قوانین داخلی کشورها

دیوان داوری ورزش نماینده حقوق ورزشی در سطح جهان است که وظایف متعددی برای بهبود حقوق ورزشکاران و رسیدگی به دعاوی آنان را بر عهده دارد. بنابراین دیوان داوری ورزش در تلاش است تا عدالت را در عرصه ورزش برقرار نماید، زیرا عرصه ورزش همانند سایر عرصه‌ها نیازمند قواعد حقوقی منظم و عادلانه است. (آقایی‌نیا، ۱۳۸۹، ۳۴) با این حال، دیوان داوری ورزش در مواردی، آراء و احکامی را صادر می‌کند که ممکن است با آراء و دیدگاه‌های سایر نهادهای حقوقی ورزشی و یا قوانین حقوقی کشورها مغایرت داشته باشد و یا اینکه باعث نوعی رویکرد دوگانه در قبال دعاوی ورزشی از سوی دادگاه‌های داخلی شود. در این زمینه، مصادیق متعددی قابل ذکر است، از جمله اینکه: کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) پس از آن یک قاعده معرفی کرد که طبق آن هر ورزشکاری که به دلیل دوپینگ به مدت بیش از شش ماه تعلیق شده باشد، نمی‌تواند در دوره بعدی بازی‌های المپیک پس از پایان دوران تعلیق خود شرکت کند. پس از اعلام این قاعده، بحث‌های زیادی پدید آمد و حتی به‌عنوان یک قاعده بالقوه برای ایجاد هرج و مرج در مورد واجد شرایط بودن ورزشکاران پیش از بازی‌های المپیک لندن ۲۰۱۲ دیده شد. دونده آمریکایی، لاشاون مریت، یکی از ورزشکارانی بود که ممکن بود تحت تأثیر این قاعده قرار بگیرد. کمیته المپیک ایالات متحده (USOC) و کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) در اقدامی واقع‌گرایانه برای جلوگیری از احتمال دادرسی و درخواست‌های

دستور موقت در آستانه بازی‌ها، تصمیم گرفتند که اعتبار این قاعده را به دیوان داوری ورزش ارجاع دهند. در حکمی که در تاریخ ۴ اکتبر ۲۰۱۱ صادر شد، دیوان داوری ورزش اعلام کرد که قاعده IOC غیرمعتبر است و قابل اجرایی نیست، زیرا این قاعده به معنای "مجازات مضاعف" است و فراتر از مجازات‌هایی است که در کد وادا ذکر شده است. (کمیته المپیک ایالات متحده، ۲۰۱۱، ۶) به طوری که اعلامیه اخیر، روند دادرسی عادلانه را مختل کرده و باعث تضییع حقوق ورزشکاران می‌شد. به علاوه اینکه تعارض احکام صادره از سوی دیوان در مقررات بین‌المللی و مقررات داخلی کشورها ممکن است عدالت در دادرسی را با خلل روبرو سازد. ضمن اینکه پس از تصمیم در پرونده USOC در مقابل IOC، این سوال باقی ماند که آیا کمیته المپیک بریتانیا همچنان قانون داخلی خود را که محرومیت مادام‌العمر برای متخلفان از قوانین ضد دوپینگ اعمال می‌کند، اجرا خواهد کرد و آیا چنین قانونی تحت بررسی قضائی قرار خواهد گرفت، اگر یک ورزشکار آن را در آستانه بازی‌های المپیک لندن ۲۰۱۲ به چالش بکشاند. (آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ، ۲۰۱۲) با این حال، در نوامبر ۲۰۱۱، هیئت‌مدیره بنیاد وادا تصمیمی اتخاذ کرد که قانون داخلی کمیته المپیک بریتانیا "مغایر با" کد وادا است. در دسامبر ۲۰۱۱، کمیته المپیک بریتانیا درخواست تجدیدنظر در دیوان داوری ورزش علیه تصمیم هیئت‌مدیره بنیاد وادا ارائه داد. در آوریل ۲۰۱۲، CAS اعلام کرد که قانون داخلی کمیته المپیک بریتانیا یک مجازات دوپینگ است و بنابراین با کد وادا تطابق ندارد؛ دیوان داوری ورزش، نظر هیئت‌مدیره بنیاد وادا را تأیید کرد و بنابراین

درخواست تجدیدنظر کمیته المپیک بریتانیا رد شد و تصمیم هیئت‌مدیره بنیاد وادا تأیید گردید. (انجمن المپیک بریتانیا، ۲۰۱۲، ۴)

یک نمونه دیگر از مناقشه‌های ورزشی بین‌المللی که در محاکم ملی پیگیری شد (و توجه زیادی در رسانه‌های اروپا جلب کرد)، پرونده باشگاه فوتبال سوئسی افسی سیون است. در سال ۲۰۰۹، فیفا باشگاه افسی سیون را به دلیل امضای قرارداد با دروازه‌بان مصری عصام الحضری که تحت قرارداد باشگاه دیگری بود، به مدت دو دوره نقل و انتقالات محروم کرد. تصمیم فیفا توسط دادگاه داوری ورزش (CAS) تأیید شد و چالش قانونی علیه رأی CAS که توسط الحضری به دیوان عالی سوئیس برده شد، موفقیت‌آمیز نبود. (دادگاه داوری ورزش، ۲۰۱۰) پس از آن، باشگاه افسی سیون شش بازیکن را در مسابقه‌ای که در آگوست ۲۰۱۱ در مرحله مقدماتی لیگ اروپا با باشگاه فوتبال سلتيك اسكاتلند برگزار می‌شد، به میدان فرستاد. اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)، نهاد اداری و نظارتی فوتبال اروپا و مسئول برگزاری لیگ اروپا، تصمیم گرفت که افسی سیون بازیکنان غیرمجاز را به میدان فرستاده و این باشگاه را از رقابت‌های لیگ اروپا اخراج کرد. به جایگاه افسی سیون، باشگاه سلتيك قرار گرفت. (دادگاه فدرال سوئیس، ۲۰۱۱، 4A 394/2010) در پاسخ، باشگاه افسی سیون و بازیکنان متضرر اقدام به طرح شکایات خود در دادگاه‌های کانتونال سوئیس کردند. در همین باره نیز درخواست‌هایی که بین دیگر موارد، بازگشت به لیگ اروپا را شامل می‌شد، توسط باشگاه افسی سیون مطرح شد. اگرچه دادگاه کانتونال سوئیس دستور موقت به نفع افسی

سیون صادر کرد، یوفا تصمیم دادگاه را اجرایی نکرد، زیرا اعلام کرد که این کار بر اساس اساسنامه‌های خودش مغایر خواهد بود. اساسنامه‌های هر دو یوفا و فیفا اعضا را از پیگیری پرونده‌ها در دادگاه‌های مدنی منع می‌کند. (اساسنامه یوفا، ۲۰۱۰، ماده ۶۱،۱) در بیانیه‌ای که در اکتبر ۲۰۱۱ توسط یوفا منتشر شد، آمده است: "دادگاه داوری ورزش (CAS) در دسترس است، برخلاف دادگاه‌های مدنی سوئیس، برای همه رقبا و مخالفان افسی سیون. این امر تضمین می‌کند که تمامی باشگاه‌ها برابر باشند و یکسان برخورد شوند. یوفا به‌طور قانونی قادر به اعمال تصمیمات دادگاه‌های مدنی نیست." (اساسنامه فیفا، ۲۰۱۱، ماده ۶۴،۲) فیفا همچنین اظهار نظر کرد که اقدامات افسی سیون تهدیدی برای خودمختاری ورزش است و اشاره کرد که اگر هر باشگاهی هنگام اختلاف با تصمیمات فدراسیون خود به دادگاه‌های محلی مراجعه کند، سازماندهی فوتبال بین‌المللی غیرممکن خواهد شد. احتمالاً دیوان عالی سوئیس کلام نهایی را در خصوص روند پرونده‌های مربوط به افسی سیون/یوفا صادر خواهد کرد که نتیجه آن می‌تواند تاثیر زیادی بر آینده نهادهای حاکم بر فوتبال و خودمختاری ورزش به طور کلی داشته باشد. (فدراسیون بین‌المللی فوتبال، ۲۰۱۱)

۳-۵. رسیدگی بر مبنای دادرسی عادلانه

دیوان داوری ورزش در روند اجرای احکام صادره در قبال ورزشکاران کشورهای مختلف با چالش‌هایی روبرو است که حتی می‌تواند روند دادرسی عادلانه برای ورزشکاران را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بدین ترتیب که از منظر حقوق بشر، جایگاه احکام صادره،

نقش فدراسیون‌ها و دادگاه‌های ورزشی کشورها و همچنین میزان تعامل و یا عدم تعامل نهادهای داخلی کشورها با دیوان داوری ورزش، نیازمند بررسی و مذاقه بیشتری است که به ابعاد و مصادیق آن پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. چالش اجرای احکام CAS و قوانین داخلی کشورها

تعامل میان دیوان داوری ورزش و دادگاه‌های ملی کشورها، نقش مهمی در اجرای دقیق آراء صادره از سوی CAS دارد. هنگامیکه طرفین به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم قانونی را برای اعمال به ماهیت اختلاف خود انتخاب نکرده‌اند (جز مقررات ورزشی مربوطه)، ماده R۵۸ مقرر می‌کند که هیأت رسیدگی دیوان داوری ورزش باید قانون کشور محل استقرار فدراسیون یا نهاد ورزشی دیگری که تصمیم مورد اعتراض را صادر کرده است، اعمال کنند. این مقرر در مواردی که فدراسیون ملی یا نهاد ورزشی ملی که تصمیم چالش‌برانگیز از آن صادر شده، طبق مقررات فدراسیون بین‌المللی مربوطه تصمیم گرفته باشد، مسئله‌ساز است. به‌طور مثال، رسیدگی‌های اعتراضات CAS به‌طور منظم شامل فدراسیون ملی است که به‌عنوان طرف پاسخ‌دهنده، در اتخاذ تصمیم چالش‌برانگیز به نمایندگی از فدراسیون بین‌المللی مربوطه (مانند IAAF یا UCI) عمل کرده است. (دیوان داوری ورزش، ۲۰۰۹، ۵۴۵) این موضوع به‌ویژه پس از لازم‌الاجرا شدن کد WADA اهمیت بیشتری پیدا کرده است، زیرا این کد مسئولیت مشترک فدراسیون‌های بین‌المللی، فدراسیون‌های ملی و دیگر سازمان‌های ضد دوپینگ را در زمینه کنترل‌های دوپینگ، جلسات

رسیدگی و تحریم‌ها پیش‌بینی کرده است، در حالیکه حق اعتراض به تصمیمات صادره از سوی فدراسیون‌های ملی یا سازمان‌های ضد دوپینگ را برای فدراسیون‌های بین‌المللی محفوظ نگه می‌دارد. در این گونه موارد، پیروی دقیق از قاعده تعارضی که در ماده R۵۸ ذکر شده است، ممکن است منجر به آسیب دیدن اجرای یکسان مقررات ورزشی بین‌المللی شود. این نتیجه غیرقابل قبول است و بدتر از آن، برخلاف حق اساسی ورزشکاران برای برخورد برابر در پرونده‌های انضباطی است که تحت همان مقررات (بین‌المللی) انجام می‌شود. در برخی موارد، هیأت داوری CAS این نوع پرونده‌ها را به‌عنوان رسیدگی‌های "غیرمعمول" در نظر گرفته‌اند و بر این اساس، اگرچه به‌طور مستقیم بیان نکرده‌اند، به‌سادگی قاعده مقرر در ماده R۵۸ را دور زده‌اند و تنها مقررات ورزشی مربوطه را اعمال کرده‌اند، یا در صورت لزوم، قانون محل استقرار فدراسیونی که مقررات ورزشی قابل اعمال را صادر کرده است، به جای قانون محل استقرار فدراسیون یا نهاد ورزشی دیگری که تصمیم مورد اعتراض را صادر کرده، به‌کار برده‌اند. (دیوان داوری ورزش، پرونده پانتانی علیه UCI و FCI، ۲۰۰۳؛ دیوان داوری ورزش، پرونده LAAF علیه CBA و Dos Santos، ۲۰۰۳) در این شرایط، حتی اگر طرفین انتخاب مستقیم یا غیرمستقیمی برای قانون که باید به همراه مقررات ورزشی قابل اجرا اعمال شود، نداشته باشند، ماده R۵۸ یک انتخاب غیرمستقیم پیش‌بینی می‌کند که به نفع قانون ملی مقر اصلی فدراسیون پاسخ‌دهنده یا سایر نهادهای ورزشی است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، هیأت داوری‌های CAS گاهی اوقات در نظر گرفته‌اند که این ماده

مبنای اصول حقوق بشر از جمله اصل عدالت و برابری در دادرسی فراهم خواهد شد. در غیر این صورت، قوانین و آراء CAS به دلیل نادیده گرفتن مقررات داخلی کشورها، عاملی برای ایجاد بی عدالتی تلقی شده و حتی اجرای آن نیز با مشکلاتی روبرو خواهد شد.

۵-۳-۲. چالش استقلال دادگاه‌های داخلی ورزش

آراء دیوان با تکیه بر اصل عدالت و عدم مداخله انجام می‌شوند که نشانگر بی‌طرفی دیوان در رسیدگی به دعاوی ورزشکاران است. (وکیل، ۱۳۹۴، ۱۵۱) اما این رویه همواره رعایت نمی‌شود و در مواردی، ورزشکاران یا فدراسیون‌ها و باشگاه‌های ورزشی، بی‌عدالتی را به دلیل عدم استقلال دیوان یا قضاوت رسیدگی کننده آن مطرح کرده‌اند. بدین ترتیب یکی از حوزه‌هایی که مداخله دادگاه‌های ملی ممکن است کمتر خوشایند باشد، زمانی است که این مداخله به عنوان نقض خودمختاری نهادهای حاکم بر ورزش تلقی شود. عملکرد موفق این نهادها عمدتاً به دلیل اصل پذیرفته شده خودمختاری ورزش است. (پرونده چمبرز، ۲۰۰۸، ۴۰؛ چاپلت و همکاران، ۲۰۰۸؛ فاستر، ۲۰۰۳، ۱؛ مازوکو، ۲۰۰۳) بر این اساس، دادرسی عادلانه زمانی محقق خواهد شد که قوانین داخلی کشورها همسو با مقررات جهانی باشد که آراء صادره از CAS بر آنان بنا شده باشد. عدم همخوانی قوانین داخلی و بین‌المللی در مواردی حتی باعث خودداری ورزشکاران و یا کشورها از قوانین و آراء دیوان داوری ورزش شده است. (سانتوس، ۲۰۲۴، ۶۴) به همین دلیل از منظر دادرسی عادلانه باید گفت که اجرای آراء دیوان

باید در موارد تجدیدنظر "غیرمعمول" نادیده گرفته شود، جایی که مقرر اصلی فدراسیون یا نهاد ورزشی که تصمیم را صادر کرده (طبق مقررات بین‌المللی ورزشی قابل اجرا) به اعمال قانون ملی متفاوتی در هر مورد منتهی می‌شود و به این ترتیب وحدت در اعمال مقررات بین‌المللی را تضعیف می‌کند. نتیجه مشابهی می‌تواند با در نظر گرفتن این که قانون مقرر اصلی فدراسیون بین‌المللی (که مقررات آن در صورت بروز اختلاف قابل اجرا است) مناسب‌تر از قانون مقرر اصلی فدراسیون ملی (که تصمیم تجدیدنظر شده را صادر کرده است) باشد، حاصل شود. (دیوان داوری ورزش، ۲۰۰۹)

اما در ارتباط با قوانین ایران، اگر احکام صادره از سوی CAS در تضاد با نظم عمومی و قوانین داخلی نباشد، همسویی با آن نقش مهمی در دادرسی عادلانه برای ورزشکاران خواهد داشت. به طور مشخص در ایران، اختلافات ورزشی از طریق کمیته‌های انضباطی حل و فصل می‌شوند. کمیته‌های انضباطی مسابقات ورزشی (۱۳۷۴) نهادی مستقل در رسیدگی به تخلفات ورزشی است. آراء صادره از طریق استیناف به دیوان حکمیت بین‌المللی ورزشی در لوزان سوئیس ارسال می‌گردد. (شعبانی‌مقدم، ۱۳۹۳، ۲۵) روند یاد شده نشانگر نوعی استقلال برای دادگاه‌های ورزشی ملی در ایران است که البته در این رویه هماهنگ‌سازی قوانین محلی با رویکرد داوری در CAS بسیار مهم است. (احمدیان‌فرد، ۱۴۰۴، ۵۶۶) بنابراین در صورتی که نهادهای واسط از جمله کنفدراسیون‌های منطقه‌ای و قاره‌ای هماهنگی لازم برای سازگاری و انطباق آراء و رویکرد دیوان را فراهم سازند، دادرسی عادلانه بر

است. این امر در صورتی که بدون ملاحظه وضعیت داخلی کشورهای عضو در نظر گرفته شود، منجر به بی عدالتی خواهد شد. از این جهت، یک سازمان حقوقی بین‌المللی که ورزشکاران ایرانی نیز باید از احکام صادره آن تبعیت کنند، باید منافع همه کشورها و ورزشکاران و نه به تنهایی منافع کشوری خاص و آزادی عضویت برای تمام کشورها و اشخاص لحاظ شود. (موسی‌زاده، ۱۳۸۱، ۲۱) در این صورت است که حقوق ورزشکاران به طور خاص و حقوق کشورهای عضو به طور عام باید تابع ملاحظات حقوق بشر از جمله اصل عدالت خواهد بود. بنابراین هم نفی خودمختاری از سوی دادگاه‌های ملی و هم نفی پذیرش مطلق دادگاه و دیوان داوری ورزش است تا بتوان با رویکردی عادلانه، حقوق ورزشکاران را در جوامعی از جمله جامعه ایران در پیش گرفت. توضیح اینکه اصل خودمختاری ورزش توسط دادگاه‌های ملی به رسمیت شناخته شده است، که در مداخلات خود در مقررات ورزشی کند عمل می‌کنند، زیرا آن‌ها این مسائل را بخشی از حوزه خودمختار فدراسیون‌های ملی و بین‌المللی می‌دانند. (پوسنر، ۲۰۱۱، ۱۵۷) یکی از کارشناسان پیشنهاد کرده است که «ایجاد و توسعه CAS مکانیزم مؤثری برای حل اختلافات ورزشی المپیک و بین‌المللی به صورت تخصصی و هماهنگ بین‌المللی فراهم کرده است، که به این ترتیب تا حد زیادی از مشکلات حکم‌های ناسازگار توسط دادگاه‌های ملی که با حاکمیت و قوانین فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی آشنایی ندارند، جلوگیری می‌کند.» (میتن، ۲۰۱۰، ۲۷۳) با وجود این، تعدادی از اختلافات ورزشی بین‌المللی به دادگاه‌های ملی ارجاع شده‌اند که چند

داوری ورزش در ایران، نیازمند در نظر گرفتن قوانین مربوط به داخل در عرصه دادرسی عادلانه ورزشکاران است. به طوری که در یکی از موارد از جمله در ماده ۶۰ قانون مدنی سوئیس که به فیفا مربوط است و در آن کشور تدوین شده است، فیفا باید قوانین مربوط به دولت محل تأسیس را رعایت نماید. همان طور که در اصل ۲۶ قانون اساسی، بر اهمیت اصول استقلال، موازین اسلامی و پذیرش اساس جمهوری اسلامی توجه نشان داده شد. (خسروی و طجریلو، ۱۴۰۱، ۳۰۹) بنابراین نقض ماده ۶۰ قانون مدنی سوئیس که بخشی از قوانین مربوط به دادرسی در قبال دعاوی ورزشکاران است، در صورتی که با قوانین داخلی از جمله اصل ۲۶ یا استقلال دادگاه‌ها در تعارض باشد، اصل دادرسی عادلانه را از بین می‌برد.

۵-۳-۳. چالش مشارکت در دادرسی دادگاه‌های ملی و CAS

اصل دیگری که درباره دادرسی عادلانه قابل طرح است و در قبال حقوق ورزشکاران در ایران باید لحاظ گردد، توجه به اصل برابری و عدالت است. همان طور که در ارتباط با انجمن‌های بین‌المللی آمده است که انجمن‌های یاد شده متشکل از افراد و گروه‌هایی است که آزادانه و به ابتکار ایجاد شده و برای اهداف و منافع شخصی تشکیل نمی‌شوند، از این جهت فعالیت بین‌المللی با هدف منفعت عمومی، خارج از منافع شخصی و تعلقات خصوصی است. (بیگ‌زاده، ۱۳۸۰، ۱۹) در این صورت، محقق شدن عدالت در قبال آراء صادره از سوی CAS نیازمند مشارکت و تعامل میان دادگاه‌های محلی و نهادهای بین‌المللی در زمینه دعاوی ورزشکاران

۵-۳-۴. ضعف تحقیقات کافی از سوی CAS

مشکلات ناشی از اجرای احکام دیوان داوری ورزش حتی در مواردی ممکن است به دلیل عدم دسترسی دقیق دیوان به وضعیت ورزشکاران در داخل یک کشور به صدور آراء ناعادلانه منجر شود. توضیح اینکه احکام صادره از سوی CAS طبق کنوانسیون نیویورک قابل اجرا هستند و درخواست‌های اجرایی برای این حکم‌ها می‌تواند به دیوان عالی فدرال سوئیس یا دیگر دادگاه‌های ملی در کشورهای امضاکننده ارائه شود. (کنوانسیون سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵) اما دیوان داوری ورزش به دلیل عدم درک شرایط داخلی کشورها در مواردی به صدور آراء نامتناسب با وضعیت داخلی کشورها منجر می‌شود. این موضوع در ارتباط با وضعیت دوپینگ ورزشکاران، مشکلات ناشی از ثبت و عدم ثبت قراردادهای آنان با باشگاه‌های ورزشی و نقل و انتقال، تابعیت درآمدن ورزشکاران مطابق قوانین ورزشی و... باعث صدور آراء از سوی CAS می‌شود که خود عاملی برای تضعیف اصول حقوق بشری از جمله اصل عدالت و دادرسی عادلانه است.

موضوع دیگر در ارتباط با اجرای احکام دیوان داوری ورزش، توسل جستن دادگاه‌های ملی و داخلی به رویه‌های ملی برای اجرای احکام یاد شده است. بدین معنا که تناظر دقیقی میان احکام صادره از سوی دیوان داوری ورزش و آنچه در عمل ایجاد می‌شود، همواره وجود نخواهد داشت. بدین معنا که در عمل، این مکانیزم در پرونده‌های تجدیدنظر به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا بسیاری از سازمان‌های ورزشی رویه‌های داخلی برای تضمین اجرای احکام CAS دارند. بنابراین شکل و نحوه

مورد آن را در زیر ذکر خواهیم کرد. در ژوئیه ۲۰۰۸، دیوان چمبرز، دنده بریتانیایی، دعوی را در دادگاه عالی لندن مطرح کرد و قانونیت اساسنامه‌های انجمن المپیک بریتانیا (BOA) را به دلیل محدودیت غیرمعقول تجارت به چالش کشید. او دو سال تعلیق به دلیل استفاده از استروئیدها دریافت کرده بود، اما پس از پایان دوره تعلیق، BOA او را طبق قوانین داخلی خود از حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن محروم کرد. بر اساس این قانون، ورزشکارانی که به استفاده از مواد دوپینگ محکوم شده‌اند برای همیشه از حضور در بازی‌ها محروم می‌شدند. (انجمن المپیک بریتانیا، ۲۰۰۹، بند ۷۴) در نهایت، دادگاه عالی علیه چمبرز حکم داد (به تأخیر او در ارائه درخواست اشاره کرد)، اما در نظر گرفتن این که آیا باید دستور موقتی برای اجازه به او برای شرکت در مسابقات صادر شود یا خیر، قاضی مک کی گفت: «من باید بررسی کنم که آیا برای [BOA] تناسب دارد که قانونی تصویب کند که می‌گوید ورزشکاری که ثابت شده است تقلب کرده است... فرد مناسبی برای نمایندگی کشورش نیست. (چمبرز، ۲۰۰۸، ۲۹۳) بر این اساس، نادیده گرفتن قوانین و مقررات داخلی کشورها و یا بی-توجهی به بسترهای لازم جهت اجرای آراء احکام دیوان داوری ورزش در کشورهای مختلف به نوعی دنباله‌روی از رویکرد همسان‌نگری است که اگرچه در ظاهر به دنبال برقراری عدالت است، اما با نادیده گرفتن وضعیت ورزشکاران در کشورهای مختلف، دادرسی عادلانه را زیر سؤال می‌برد که از منظر موازین حقوق بشری قابل پذیرش نیست.

۶. نتیجه

آراء دیوان داوری ورزش به عنوان مرجع حقوقی ورزشی در جهان اگرچه مورد اقبال فدراسیون‌های ورزشی و ورزشکاران در کشورهای مختلف است، اما در مواردی این رویکرد می‌تواند به دلایل متعددی از جمله ناهمخوانی با قوانین کشورهای مختلف، عدم سازگاری با وضعیت و شرایط داخلی کشورها و دشواری در اجرای عدالت و دادرسی منصفانه در تضاد با اصول حقوق بشری قرار گیرد. به همین دلیل اجرای آراء دیوان ورزشی در کشورهای مختلف از جمله در ایران به دلایل متعددی می‌تواند باعث غفلت از اصول حقوق بشری از جمله اصل عدالت و یا دادرسی عادلانه شود. به طوری که ورزشکاران، به دلایلی از جمله عدم سازگاری میان احکام صادره از سوی CAS و همچنین ضعف در رسیدگی عادلانه از جهت پذیرش آراء دیوان داوری و اجرایی کردن آنان و یا عدم مشارکت نهادهای حقوقی ملی در فرایند صدور رأی تمایل مؤثری برای پذیرش و عملی کردن آراء یاد شده ندارند. ضمن اینکه نتایج تحقیق حاضر نشان داده است که ملاحظه اصول حقوق بشری و دادرسی عادلانه نیازمند در نظر گرفتن اصول و معیارهای مهمی است که در رسیدگی به وضعیت ورزشکاران و یا آراء صادره از دیوان داوری ورزش نمود پیدا می‌کند. از جمله این موارد که حتی تحت عنوان چالش قابل طرح هستند، نیازمند رسیدگی و مذاقه بیشتری است که طیفی از مشارکت و تعامل حقوقی، تحقیقات تخصصی و مبتنی بر لحاظ کردن وضعیت داخلی کشورهای عضو و یا تابع قوانین دیوان داوری ورزش، و همچنین در نظر گرفتن میزان عملیاتی

اجرای احکام دیوان داوری ورزش، حتی ممکن است به نحوی اجرا شود که دادگاه‌های داخلی و ملی از انجام دقیق و کامل آن خودداری کرده و یا به شیوه مورد دلخواه خود عملیاتی سازند. از جمله موارد قابل ذکر در این زمینه نقش آراء دیوان داوری ورزش در زمینه صدور آراء برای تغییر نتایج مسابقات ورزشی پس از شکایات مطرح شده علیه ورزشکاران چه در زمینه وضعیت دوپینگ و چه وضعیت قراردادهای و ... است. بدین ترتیب یکی از ویژگی‌های مشکل نسبتاً جدید تخلف در تنظیم نتایج مسابقات و تغییر نتایج مسابقات این است که ممکن است باعث شود ورزشکاران علاوه بر شرکت در جلسات دادرسی انضباطی در نهاد حاکم بر ورزش خود، موضوع پیگردهای کیفری نیز قرار گیرند. پیگردهای کیفری در دادگاه‌های ملی می‌توانند به لحاظ فراهم آوردن شواهد اضافی برای فرایند دادرسی انضباطی مفید باشند، چرا که نهادهای پلیس ملی معمولاً قدرت‌های بسیار بیشتری برای تحقیق و جمع‌آوری شواهد نسبت به هیئت‌های داوری دارند. (اتحادیه جهانی دوچرخه سواری و آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ، ۲۰۱۰، ۴) در مورد بازیکنان کریکت پاکستانی، با درخواست طرفین، روند دادرسی در دادگاه CAS به حالت تعلیق درآمد تا نتیجه پیگردهای کیفری مرتبط در بریتانیا مشخص شود، با این پیش‌فرض که ممکن است شواهدی از این پیگردها به دست آید که ممکن است در مرحله تجدیدنظر، ورزشکاران را تبرئه کند.

-با بهره‌گیری از قضات و داوران متخصص در حقوق ورزش و حقوق بشر، از تعارض‌های احتمالی میان آرای صادره و موازین داخلی بکاهد.

۲. اصلاح و هم‌سوسازی تدریجی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی حقوق ورزشی: ضروری است قانون‌گذار و نهادهای تقنینی با انجام بازنگری‌های تدریجی در مقررات ورزشی و آیین دادرسی مرتبط، زمینه انطباق بیشتر با استانداردهای حاکم بر رسیدگی‌های بین‌المللی را فراهم آورند. این اقدام می‌تواند شامل:

-پیش‌بینی صریح اصل دادرسی منصفانه در مقررات ورزشی؛

-تعریف جایگاه حقوقی آرای CAS در نظام حقوقی ایران؛

-تعیین سازوکار روشن برای شناسایی و اجرای این آراء با لحاظ موازین نظم عمومی و حقوق بنیادین باشد.

چنین اصلاحاتی موجب کاهش تعارض‌های ساختاری و افزایش پذیرش عملی آرای بین‌المللی خواهد شد.

۳. توسعه تعاملات حقوقی و آموزش تخصصی در حوزه حقوق ورزش: برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای قضات، وکلا، مدیران ورزشی و داوران در حوزه حقوق ورزش بین‌الملل و رویه‌های CAS می‌تواند فهم مشترک و ادبیات حقوقی همگن‌تری ایجاد کند. علاوه بر آن:

-ایجاد کارگروه‌های مشترک میان نهادهای ورزشی ملی و متخصصان حقوق بین‌الملل؛

-انجام پژوهش‌های تطبیقی درباره نحوه اجرای آرای CAS در سایر کشورها؛

شدن یک رأی از سوی CAS باید لحاظ شود. در این صورت آنچه درباره وضعیت آراء صادره از سوی دیوان داوری ورزش و تعامل با نظام حقوقی ایران در عرصه رسیدگی به دعاوی ورزشکاران دارد، کمک به ایجاد نهاد حقوقی ملی داوری است تا بتوان شرایط را برای پیوند دو نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی فراهم آورد. رفع مشکلات یاد شده از حیث تلاش برای اجرا کردن آراء صادره از سوی دیوان داوری ورزش نیازمند اصلاحات تدریجی در نظام حقوقی داخلی و تخصصی کردن آن برای رسیدگی به دعاوی ورزشکاران و تعامل با نظام حقوقی منبعت از دیوان داوری ورزش است تا با کاستن از فاصله حقوقی، زمینه‌سازی برای حمایت از اصول حقوق بشر و در نهایت دادرسی عادلانه فراهم آورده شود. بر مبنای نتایج پژوهش که بر چالش‌ها متمرکز است، پیشنهادات زیر قابل ارائه است:

۱. ایجاد و تقویت نهاد ملی داوری ورزشی مستقل و تخصصی: تأسیس یک نهاد داوری ورزشی ملی با ساختاری مستقل، تخصصی و منطبق با استانداردهای بین‌المللی، می‌تواند نقش واسط میان نظام حقوقی داخلی و نظام داوری بین‌المللی ورزش را ایفا کند. این نهاد می‌تواند:

-پیش از ارجاع پرونده‌ها به CAS، امکان رسیدگی تخصصی و منطبق با شرایط حقوقی و فرهنگی ایران را فراهم کند؛

-از طریق تدوین آیین‌نامه‌های شفاف، اصول دادرسی عادلانه و حق دفاع مؤثر را تضمین نماید؛

- تقویت دیپلماسی حقوقی ورزشی در تعامل با نهادهای بین‌المللی.

موارد اخیر نیز می‌تواند به کاهش فاصله حقوقی میان نظام داخلی و نظام داوری بین‌المللی منجر شود.

۷. سهم نویسندگان

فرایند نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام پذیرفته است.

۸. تضاد منافع

بنابر اظهارات نویسندگان مقاله، تعارض منافی در آن وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- آقایی‌نیا، حسین، حقوق ورزشی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.

- احمدیان‌فرد، سپیده، «اجرای آراء دیوان داوری ورزش در سطح ملی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره هشتم، شماره بیست‌وسوم، ۱۴۰۴.

- بیگزاده، ابراهیم؛ «سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره سوم، شماره سی‌ویک و سی‌ودوم، ۱۳۷۹.

- شعبانی‌مقدم، کیوان، دیوان بین‌المللی حکمیت در ورزش، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۳.

- خسروی، امیر؛ طجرلو، رضا، «تبیین اصول و مقررات حاکم بر ورزش فوتبال از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی، دوره چهاردهم، شماره هفتادوششم، ۱۴۰۱.

- مافی، همایون؛ شهلائی، فراز، «چالش‌های تأسیس دیوان ملی داوری ورزش: بررسی تطبیقی با دیوان داوری ورزش (CAS)»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره پنجاه‌وچهارم، ۱۳۹۶.

- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی - پدیده جنایی، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۹۳.

(Eng.). Commission of the European Communities. (2007). White Paper on Sport, COM 391, 13. Available at: http://cc.europa.eu/sport/documents/wpo_n_sport_en.pdf.

- Chappelet, J.-L., Bousigue, A., & Cohen, B. (2008). The Autonomy of Sport in Europe, Enlarged Partial Agreement on Sport (EPAS). Available at:

http://www.coe.int/t/dg4/cpas/Source/Re ssourecs/EPAS INFOChappelet_cn.pdf.

- Court of Arbitration for Sport (CAS). (2021). CAS Procedure and Sanctions on Doping Violations. CAS Publications.

- Fédération Internationale de Football Association (FIFA). (2010). FC Sion v. Fédération Internationale de Football Association (FIFA) & Al-Ahly Sporting Club, CAS 2009/A/1880 and E. v. Fédération Internationale de Football Association (FIFA) & Al-Ahly Sporting Club, CAS 2009/A/1881 (June 1, 2010) (appeals consolidated). Retrieved from <http://jurisprudence.tas>.

- FIFA. (2011). FIFA Statutes, Art. 64.2. Retrieved from http://www.fifa.com/mm/document/affederation/gcneric/01/48/60/05/fifastatuten2011_c.pdf.

- FIFA. (2011, September 30). Interview with Marco Villiger, FIFA Director of Legal Affairs. Retrieved from <http://www.fifa.com/newsid=1519729/index.html>.

- Foster, K. (2003). Is There a Global Sports Law? 2 ENT. L. 1.

- موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.

- وکیل، امیرساعد، حقوق بین‌الملل ورزش و فوتبال، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.

منابع لاتین

- British Olympic Ass'n (BOA) v. World Anti-Doping Agency (WADA), CAS 201 1/A/2658 (Apr. 30, 81. 2012), available at <http://www.tas-cas.org/d2wfiles/document/5879/5048/0/Award20265820FINAL.pdf>.

- British Olympic Association. (2009). Byelaws, 74. Retrieved from <http://www.olympics.org.uk/about-us/byelaws>.

- Bundesgericht [Bger][Federal Supreme Court]. (2011, January 12). 4A 394/2010 (Switz.). Retrieved from <http://www.praetor.ch/arbitrage/no-violation-of-due-process-if-wrong-assessment-of-evidence-no-v/>.

- CAS. (2003, January 27). IAAF v. CBA & Dos Santos, Award of 27 January 2003, paras. 78-79, CAS 2002/A/383.

- CAS. (2003, March 12). Pantani v. UCI & FCI v. UCI, Award of 12 March 2003, para. 45, CAS 2002/A/403 & 408.

- CAS, 2009/A/1545, Anderson, Colander Clark, Miles-Clark, Edwards, Gaines, Hennagan & Richardson v. IOC, Award of 18 December 2009, para. 55.

- Chambers, Dwain. (2008). British Olympic Ass'n EWHC (QB) 2028, [40]

<http://www.uefa.com/uefa/aboutuefa/organisation/executivecommittee/news/newsid=1694975.html>.

- UEFA. (2010). UEFA Statutes, Art. 61.1. Retrieved from http://www.uefa.com/MultimediaFiles/Download/Regulations/uefaorg/General/01/47/69/97/1476997_DOWNLOAD.pdf.

- United States Olympic Committee. (2011). Int'l Olympic Comm. (IOC), CAS 2011/0/2422 (Oct. 4, available at [http://www.tas-cas.org/d2wfiles/document/5314/5048/02011\)/Final20award202422](http://www.tas-cas.org/d2wfiles/document/5314/5048/02011)/Final20award202422).

- WADA & UCI v. Valverde & REFC (2010). CAS 2007/A/1396 & 1402 (May 31, 2010). Available at: <http://www.tas-cas.org/d2wfiles/document/4238/5048/0/Award20Valverdi20139620&201402>.

- Wassner, Brien M., (2003). Major League Baseball's Answer to Salary Disputes and the Strike: Final Offer Arbitration: A Negotiation Tool Facilitating Adversary Agreement, 6 VAND. J. ENT. L. & PRAC. 5.

- World Anti-Doping Agency. (2012). World Anti-Doping Code. Montreal, Canada: World Anti-Doping Agency.

- Martinez, Elena. (2024). Judicial Review of CAS Awards. *International Sports Law Review* 14, no. 2.

- Mazzucco, M. F. (2003). *Lex Sportiva: Sports Law as a Transnational Autonomous Legal Order*. Available at: <http://independent.academia.edu/MarcusMazzucco/Papers/418551/LexSportivaSportsLawas aTransnationalAutonomousLegalOrder>

- Mitten, Matthew J., (2010). "Sports Law": Implications for the Development of International, Comparative, and National Law and Global Dispute Resolution, 85 TUL. L. REV. 269, 292.

- Posner, Richard. (2011), a federal judge on the United States Court of Appeals for the Seventh Circuit, has observed: Olympic Com., 741 F.2d 155, 159 .

- PRIVATE INTERNATIONAL LAW ACT, art. 176(1) (1987), Where neither of the parties has its domicile or habitual residence outside, Switzerland.

- Santos, Pedro. (2024), Enforcement Challenges in Sports Arbitration. *Journal of International Arbitration* 42, no. 2.

- The CAS Code provides (1993), CAS CODE, supra note 6, art. R58.

- The United Nations Convention (۲۰۱۵) on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, available at <http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral-texts/arbitration/NYConvention.html>.

- UEFA Executive Committee. (2011, October 11). UEFA Statement on FC Sion/Olympique des Alpes. Retrieved from